



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۱ آذر ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۶ محرم الحرام ۱۴۳۴

جلسه: ۱۳

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- اصحاب اجماع

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

از ادله مرحوم حاجی نوری مبنی بر اینکه مفاد عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» این است که این گروه «لایروون و لایرسلون إلا عن ثقة» دو دلیل گفته شد.

دلیل سوم:

ایشان می‌فرماید در کتب رجالی از بعضی روایات به عنوان صحیح الحدیث یاد شده و این اشخاص نامشان در فهرست روایات در کتب رجالی ذکر شده است مثلاً نوشته‌اند «فلان ثقة صحیح الحدیث». استعمال عنوان «صحیح الحدیث» که در مورد این افراد بکار رفته جز با وثاقت این افراد و افراد بعد از آنها تا امام معصوم (ع) سازگاری ندارد، یعنی وقتی به این افراد، صحیح الحدیث گفته می‌شود قطعاً هم خودشان و هم کسانی که بعد از آنها در سلسله سند روایت قرار گرفته‌اند باید ثقة باشند و اگر وثاقت آنها و مشایخشان چه با واسطه و چه بی‌واسطه ثابت نباشد اطلاق عنوان صحیح الحدیث بر آنها درست نیست. فرق این افراد با اصحاب اجماع هم از این جهت است که در مورد اصحاب اجماع همه بر صحت احادیث آنها اتفاق نظر دارند اما در مورد این اشخاصی که به عنوان صحیح الحدیث معرفی شده‌اند چنین اجماعی وجود ندارد و بعضی از رجالیون آنها را به عنوان صحیح الحدیث معرفی کرده و برخی دیگر این را نپذیرفته‌اند ولی قدر مسلم این است که عنوان صحیح الحدیث دلالت بر وثاقت این اشخاص و افراد بعد از آنها تا امام معصوم (ع) می‌کند.

ان قلت: ممکن است کسی بگوید عنوان صحیح الحدیث در مورد این اشخاص صرفاً به جهت وثاقت آنها نیست بلکه ممکن است به جهت استناد به قرائنی باشد که موجب شده آنها اطمینان به صدور روایت پیدا کنند ولو آنکه بعضی از واسطه‌ها ثقة نباشند بنابراین نمی‌توان از عنوان صحیح الحدیث وثاقت این جماعت و ما بعد آنها را استفاده کرد.

قلت: استناد به این قرائن و کشف صحت روایات به واسطه این قرائن عادتاً امر محالی است چون ایشان فرمود این قرائن یا داخلی است یا خارجی و صحت حدیث اگر بخواهد مستند به قرائن خارجی مثل موافقت کتاب و امثال آن باشد عادتاً امری محال است که وجه آن را سابقاً بیان کردیم لذا تنها فرضی که برای صحت احادیث این جماعت می‌توان در نظر گرفت این است که آنها ثقة هستند.

پس محصل این دلیل این شد که نفس اطلاق عنوان صحیح الحدیث به بعضی از اشخاص غیر از اصحاب اجماع، دلالت بر وثاقت آنها و مابعدشان دارد، چون اگر آنها یا اشخاص بعد از آنها ثقة نباشند وجهی برای اطلاق این عنوان نیست، استناد به قرائن خارجی هم که ممکن نیست.

بررسی دلیل سوم:

به نظر می‌رسد این دلیل تمام نباشد چون همه بحث ما در این است که آیا از عبارت اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، وثاقت این اشخاص و مشایخ آنها استفاده می‌شود یا نه؟ در اینکه لفظ «صحیح الحدیث» بر وثاقت خود این اشخاص دلالت می‌کند تردیدی نیست و بعضی از بزرگان از جمله شهید ثانی این عنوان را از الفاظ دال بر وثاقت قرار داده‌اند، ولی در اینجا بحث این است که آیا وثاقت مشایخ این اشخاص هم از این عبارت استفاده می‌شود یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال می‌گوییم اگر احراز صحت حدیث تنها متوقف بر وثاقت خود راوی و مشایخ بی‌واسطه و با واسطه او باشد این سخن، درست است ولی همان گونه که سابقاً هم اشاره شد علاوه بر احراز صحت حدیث به واسطه وثاقت راوی، صحت حدیث به وسیله قرائن خارجی هم قابل احراز است، یعنی دو چیز می‌تواند منشأ صحت حدیث باشد و دو عامل می‌تواند باعث شود که یک راوی به عنوان صحیح الحدیث معرفی شود؛ یکی وثاقت خود راوی و دیگری قرائن خارجی. و چون دو عامل می‌تواند منشأ صحت حدیث باشد بنابراین اگر در جایی این عنوان اطلاق شد نمی‌توان ادعا کرد که صحت احادیث این شخص یا این گروه فقط مستند به وثاقت خود او و مشایخ اوست، پس وقتی در منشأ صحت حدیث دو احتمال باشد نمی‌توان گفت عنوان «صحیح الحدیث» بر وثاقت این اشخاص و مشایخ آنها دلالت می‌کند. بعلاوه، مسئله دیگر این است که در مورد برخی از این افراد اساساً به واسطه وجود بعضی قرائن معلوم است که منظور از صحیح الحدیث این نیست که خود این اشخاص صحیح الحدیث باشند بلکه منظور این است که کتب آنها صحیح الحدیث بوده، یعنی احادیثی که در کتب خودشان آورده‌اند صحیح بوده است یعنی صحت، در واقع مربوط به احادیث موجود در کتاب است که در این صورت مسئله مشکل‌تر می‌شود و حتی وثاقت خود آن اشخاص هم ثابت نمی‌شود. نعم، ممکن است ما بتوانیم به دو شرط صحت احادیث را فقط مستند به وثاقت مشایخ آنها بدانیم؛ یعنی اگر این دو شرط محقق باشد می‌توان از عنوان صحیح الحدیث، وثاقت راوی و مشایخش را استفاده کرد؛ شرط اول اینکه راوی یعنی آن کسی که در صدد هستیم وثاقت او و مشایخش را اثبات کنیم از کسی زیاد روایت نقل کند که نقل زیاد روایت از یک شیخ می‌تواند صحت حدیث را مستند به وثاقت کند. شرط دوم این است که احادیث آن شخص ثقة متصف به صحت شود. پس از یک طرف بگویند فلانی از فلان شخص زیاد روایت نقل می‌کند و در کنار آن بگویند احادیث آن شخص هم متصف به صحت است که از ضمیمه این دو شرط به هم نتیجه این می‌شود که صحت حدیث به معنای وثاقت شیخ او هم هست. نتیجه اینکه ما نمی‌توانیم بگوییم تمام مشایخ این روات ثقة‌اند.

بعلاوه اینکه بعضی از این افراد از بعضی ضعفا روایت نقل کرده‌اند و این ثابت شده است یعنی در سلسله سند این روایت و در طریق آنها بعضاً اشخاصی هستند که توسط شیخ و نجاشی تضعیف شده‌اند مثلاً حاجی نوری به عبارت شیخ طوسی در عده اشاره کرد که عبارت شیخ طوسی ظهور در این دارد که این اشخاص «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة»، حال اگر در سندی که از یک روایت و از طریق اصحاب اجماع نقل شده کسانی باشند که خود شیخ طوسی و نجاشی آنها را تضعیف کرده‌اند و معلوم است که ثقة نیستند آیا باز هم می‌توان گفت اگر کسی متصف به صحیح الحدیث شد حتماً وثاقت او مشایخش چه با واسطه و چه بی‌واسطه ثابت می‌شود؟ پاسخ این است که قطعاً چنین چیزی امکان ندارد؛ چون مواردی وجود دارد که خود شیخ و نجاشی صریحاً روای را تضعیف کرده‌اند و این با ادعای وثاقت او و مشایخش سازگار نیست.

نتیجه:

لذا با عنایت به اشکالاتی که نسبت به این ادله سه‌گانه ذکر شد نتیجه این است که عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» بر وثاقت مشایخ این افراد دلالت نمی‌کند و فقط وثاقت خود این اشخاص از این عبارت استفاده می‌شود؛ یعنی «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» به معنای «اجمعت العصابة علی تصدیقهم فی ما یرویه» می‌باشد و وثاقت خود این اشخاص به دلالت التزامی ثابت می‌شود اما وثاقت مشایخ آنها از این عبارت استفاده نمی‌شود.

تا اینجا درباره یکی از توثیقات عامه بحث کردیم، اگر به خاطر داشته باشید گفتیم توثیق روات بر دو قسم است؛ توثیق خاص و توثیق عام، توثیق خاص یعنی اینکه از طرف امام(ع) به وثاقت شخصی تصریح شود اما توثیق عام یعنی اینکه یک قاعده و ضابطه‌ای بیان شود که به واسطه آن قاعده یک گروه و جمعی از روات توثیق شوند که یکی از آن توثیقات عامه اصحاب اجماع بود که ۱۸ نفرند و عرض کریم عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» به دلالت التزامی وثاقت خود این اشخاص را ثابت می‌کند. توثیقات عامه دیگری هم برای توثیق روات وجود دارد از جمله عنوان «العصابة التي لایروون و لایرسلون إلا عن ثقة» که انشاء الله در جلسه آینده به بحث در این رابطه خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»